

A Qualitative Study of the Consequences of the Continuation of Socio-Cultural Barriers of Underdevelopment in the East of Hormozgan Province

ARTICLE INFO

Article Type

Research Article

Authors

Ehsan Ahmadi Sarkhuni¹,
Mohammadali Chitsaz^{2*},
Nabiallah Ider³

How to cite this article

Ehsan Ahmadi Sarkhuni,
Mohammadali Chitsaz, Nabiallah
Ider, A Qualitative Study of the
Consequences of the Continuation
of Socio-Cultural Barriers of
Underdevelopment in the East of
Hormozgan Province, *Islamic Life
Style*. 2022; 6(2):364-370.

1. PhD student, Department of Sociology, Dahafan Branch, Islamic Azad University, Dahagan, Iran.
2. Associate Professor, Department of Sociology, Dahafan Branch, Islamic Azad University, Dahagan, Iran (Corresponding Author).
3. Assistant Professor, Department of Sociology, Shushtar Branch, Islamic Azad University, Shushtar, Iran.

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: mad3175@yahoo.com

Article History

Received: 2022/04/30

Accepted: 2022/08/11

ABSTRACT

Purpose: The present research was conducted with the aim of investigating the consequences of cultural-social barriers of underdevelopment in the east of Hormozgan province.

Materials and Methods: The method of the present research was qualitative and was carried out with the technique of qualitative content analysis. The participants of the qualitative part were all managers and executive elites of supporting institutions, including the Imam Khomeini Relief Committee (RA) and the Welfare Organization, and scientific experts (including university professors and researchers) as well as local influential people in the east of Hormozgan province, which was conducted through snowball sampling after 17 interviews. The researcher reached data saturation. The data collection tool was a semi-structured interview. The method of data analysis was open, central and selective triple coding.

Findings: The results showed that some of the consequences of the continuation of socio-cultural barriers of underdevelopment are; The development of the culture of poverty, the lack of a comprehensive comprehensive development plan, the lack of sustainable regional development, ineffectiveness and the lack of appropriate and targeted services, the institutionalization of the culture of dependence, the lack of a risk-taking culture, the lack of self-confidence and pragmatic culture.

Conclusion: Therefore, it can be seen that one of the main causes of institutional underdevelopment is the lack of comprehensive development programs based on real needs assessment. In the studied society, most of the financial and sexual assistance is provided to the applicants.

Keywords: Development, Underdevelopment, Socio-Cultural Barriers to Development.

مطالعه کیفی پیامدهای تداوم موانع اجتماعی-فرهنگی توسعه نیافتگی در شرق استان هرمزگان

احسان احمدی سرخونی^۱

دانشجوی دکتری، گروه جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.

محمدعلی چیت‌ساز^{۲*}

دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران (نویسنده مسئول).

نمی‌الله ایدر^۳

استادیار، گروه جامعه‌شناسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران.

چکیده

هدف: پژوهش حاضر باهدف بررسی پیامدهای تداوم موانع فرهنگی - اجتماعی توسعه‌نیافتگی در شرق استان هرمزگان انجام گردید.

مواد و روش‌ها: روش پژوهش حاضر از نوع کیفی و با تکنیک تحلیل محتوای کیفی انجام شد. مشارکت‌کنندگان بخش کیفی کلیه مدیران و نخبگان اجرائی نهادهای حمایتی ازجمله کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی و خبرگان علمی (شامل اساتید دانشگاه و پژوهشگران) و نیز افراد منتفذ محلی شرق استان هرمزگان بود، که با نمونه‌گیری گلوله برفی بعد از ۱۷ مصاحبه محقق به اشباع داده‌ها رسید. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه ساختاریافته بود. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز کدگذاری سه‌گانه باز، محوری و انتخابی بود.

یافته‌ها: نتایج نشان داد، برخی از پیامدهای تداوم موانع اجتماعی-فرهنگی توسعه‌نیافتگی عبارت بودن از؛ توسعه فرهنگ فقر، نبود برنامه جامع توسعه‌ای همه‌جانبه، نبود توسعه پایدار منطقه‌ای، بی‌تأثیری و نبود خدمات مناسب و هدفمند، نهادینگی فرهنگ وابستگی، نبود فرهنگ ریسک‌پذیری نبود فرهنگ خودباوری و عمل‌گرا.

نتیجه‌گیری: بنابراین مشاهده می‌شود یکی از علل اصلی نهادینگی توسعه‌نیافتگی نبود برنامه‌های جامع توسعه‌ای مبتنی بر نیازسنجی واقعی است در جامعه مورد مطالعه بیشتر کمک‌های نقدی-جنسی به مددجویان ارائه شده است.

کلمات کلیدی: توسعه‌نیافتگی، توسعه‌نیافتگی، موانع اجتماعی-فرهنگی توسعه.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۰

*نویسنده مسئول mad3175@yahoo.com

مقدمه

توسعه یک مفهوم مادی و ذهنی و یک جریان و یا فرآیند روبه‌جلو و در جهت پیشرفت جوامع است که برخوردار از ابعاد متنوع اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، سیاسی و تکنولوژیکی است. (۱). منطقه یا کشور توسعه‌نیافته کشوری است که هیچ علامت توسعه‌نیافتگی در آن به چشم نمی‌خورد، درحالی‌که یک کشور کمتر توسعه‌یافته عبارت است از اینکه ظرفیت بالقوه برای توسعه وجود دارد، ولی یا از آن استفاده نشده و یا اینکه به‌صورت ناقص از آن استفاده شده است. (۲). در این کشورها، ارزش‌ها، هنجارها و عوامل فرهنگی اجتماعی مانع توسعه است؛ بسیاری از رسوم، سنن و آداب قدیمی همچنان مانع پذیرش نوآوری یا فناوری هستند و به علت نفوذ طایفه، قبیله یا بزرگان فامیل برخی از مظاهر مدرنیته موردقبول واقع نمی‌شود، یا اساساً نوآوری بافرهنگ سنتی تضاد اساسی دارد؛ اما در برخی از مناطق مداخلات توسعه‌ای صورت گرفته ولی بازهم چرخه‌ای از توسعه‌نیافتگی همچنان دیده می‌شود؛ محققان معتقدند در این موارد به علت حضور بیش‌ازحد دولت یا کارگزاران خارجی و وابستگی مردم به آن‌ها از یک‌سو، نداشتن مهارت‌های لازم، نبود مراکز آموزش کارآفرینی و نیز نبود فرهنگ پذیرش تغییر و نوآور از جمله توسعه‌نیافتگی این مناطق است (۳). دقت در موانع اجتماعی-فرهنگی توسعه حاکی از آن است که در جوامع یا مناطقی که سطح سرمایه اجتماعی، انسجام و مشارکت اجتماعی کم است مردم محلی چندان در فرایندهای توسعه‌ای شرکت نمی‌کنند و حتی به‌رغم حمایت نهادهای دولتی یا توانمندشدنشان، جامعه محلی چندان توسعه نمی‌یابد چراکه ارزش‌های فرهنگی-اجتماعی مانع توسعه می‌شوند؛ بدین معنی که در این جوامع طایفه‌گرایی، تعصب قومی، یا رفتارهایی نظیر پنهان‌کاری، بدبینی موجب شده تا اجتماع محلی نسبت به همدیگر تعلق گروهی نداشته باشند و هر بخشی از جامعه به‌صورت سرخود عمل نماید (۴). از دیگر سو باید دقت نمود که احساس تبعیض یا محرومیت نسبی که در جوامع محلی توسعه‌نیافته وجود دارد الگوهای کنش اجتماعی آن‌ها را بیشتر به سمت ایجاد مانع یا ضدیت با برنامه‌های توسعه‌ای سوق می‌دهد می‌کند که به‌صورت مداخله‌ای یا از بیرون وارد شده بر آن‌ها تحمیل می‌شود (۵). این وضعیت باعث می‌شود نوعی توسعه‌نیافتگی تشدید شونده در منطقه رشد نماید که در آن احساس وابستگی برای دریافت کمک‌های بیشتر و یا الگوهای کنش اجتماعی ضدتوسعه‌ای تداوم یابد (۶). پیامد نهائی چنین وضعیتی، تشدید فرهنگ فقر، نهادینه شدن فرهنگ وابستگی و کاهش اعتمادبه‌نفس، ریسک‌پذیری و روحیه کارآفرینی است (۷).

همین وضعیت در یکی از مناطق اصلی خدمات‌رسانی کمیته امداد به‌وضوح مشاهده می‌شود؛ منطقه بشاگرد در جنوب شرقی استان هرمزگان جزو مناطقی است که به‌رغم خدمات‌رسانی کمیته امداد از سال ۱۳۶۰ تا به‌حال و به‌رغم توسعه فیزیکی برخی از اماکن همچنان از توسعه‌نیافتگی رنج می‌برد. در جنوب شرقی استان هرمزگان ۷۰ درصد روستائین هستند و با کمبود شدید منابع هستند؛ بیشترین میزان زنان سرپرست خانوار و اغلب هم تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) قرار دارند، به‌طوری‌که در بشاگرد به‌عنوان یکی از شهرهای شرق استان ۱۹٫۳ درصد از

معین هستند (۱۱). این گرایش‌ها، وابسته به ارزش‌ها و هردوی آن‌ها مبتنی بر اندیشه‌ها و اعتقاداتی می‌باشند که از طریق مشاهده و تعمق در رفتار دیگر مردمان به وجود می‌آیند. از آنجاکه گرایش‌ها و ارزش‌ها از طریق فرهنگ جامعه تعریف می‌شوند، از جامعه‌ای به جامعه دیگر تفاوت دارند (۱۲). در پژوهش حاضر چارچوب نظری پژوهش حاضر بر اساس ترکیبی از دیدگاه مک‌کله‌لند، پارسونز، هافستد، لوئیس، شوارتز قرار دارد.

مک‌کله‌لند توسعه را در انگیزه‌های فرهنگی - اقتصادی جستجو می‌کند. به عبارت دیگر در جهان سوم فقدان توسعه ناشی از بی‌انگیزگی مردم این کشورها است (۱۳). از منظر مک‌کله‌لند، نیاز قوی به کسب موفقیت به این امر مربوط می‌شود که چگونه افراد در جهت انجام وظایفشان ترغیب و تشویق می‌شوند. نیاز به موفقیت از نظر مک‌کله‌لند عبارت است از: تمایل به برتری‌طلبی یا توفیق در موقعیت‌هایی که در آن‌ها رقابت وجود دارد (۱۴). نظریه پارسونز مبتنی بر ارزش‌های اجتماعی و متغیرهای الگوئی است؛ ارزش‌های همراه با کنش، از خارج بر افراد تحمیل نمی‌شود بلکه در مناسبات متقابلشان با جامعه ایجاد می‌شود از این رو جا دارد آن‌ها را اجتماعی بنامیم (۱۲). مبتنی بر کار پارسونز، هافستد جامعه‌شناس هلندی نیز نظریات مشابهی ارائه کرده است مطابق با نظریه وی، توسعه‌نیافتگی به علت خصوصیات نظیر جمع‌گرایی، وجود فاصله قدرت، مردخوبی، کوتاه‌مدت بودن نگرش‌ها و تردید و دودلی در تصمیم‌گیری است. (۱۵). لوئیس هم بر نظریه فرهنگ فقر تأکید دارد. به نظر او فرهنگ فقر روشی از زندگی است که ویژگی‌های اصلی و مهم آن شرکت نکردن افراد فقیر در کار مؤسسات عمومی و فرایندهای توسعه به‌عنوان یک عضو جامعه است. (۱۱).

بر طبق مطالعات شوارتز، فرهنگ‌های توسعه‌نیافته، محافظه‌کار هستند؛ بُعد محافظه‌کاری ارزش‌های فرهنگی بر حفظ وضع موجود، مراعات آداب و نزاکت و اجتناب از اقداماتی است که ممکن است روابط سنتی را بر هم زند، متمرکز است. (۱۵). از منظر شوارتز فرهنگ‌های توسعه‌یافته، فرهنگی نوآوری و انعطاف‌پذیر است (۱۶). فرهنگ توسعه‌یافته، دارای سلسله‌مراتب خشک است؛ در فرهنگ‌های سلسله‌مراتبی توزیع نابرابر نقش، قدرت و منابع دیده می‌شود. افراد ارزش زیادی برای قدرت اجتماعی، اختیار و تواضع قائل‌اند. (۱۷) بر طبق نظر شوارتز در فرهنگ‌های توسعه‌یافته، مساوات-طلبی به معنی برتری‌علاق شخصی در حمایت از تعهدات داوطلبانه جهت ارتقای سعادت دیگران وجود دارد و در نهایت این فرهنگ‌ها، فرهنگ‌های هماهنگی هستند بدین معنی چنین فرهنگ‌هایی پویایی، رقابت، گرایش به موفقیت و کامیابی را تشویق می‌کنند. مجموعاً بر اساس نظریات ذکر شده باید گفت اغلب نظریه‌پردازان وجود سنت‌های قومی، مقاومت در برابر تغییر، و نبود روحیه ریسک‌پذیری و فردگرایی را از موانع فرهنگی-اجتماعی توسعه‌نیافتگی بیان می‌کنند، که دارای پیامدهای تقویت فرهنگ فقر، فرهنگ وابستگی است.

پیشینه تجربی

پیری و همکاران در پژوهش خود نشان داد؛ مهم‌ترین موانع اجتماعی توسعه‌یافتگی در این استان بافت غالب ایلی و قبیله‌ای، میزان پایین

سرپرستان خانوار زنان هستند که بیشترین تعداد در استان است. واقعیت‌های موجود منطقه نشان می‌دهد کم‌آبی، ارتفاع داشتن بشاگرد، سختی دسترسی این شهرستان به شهرهای اطراف، کوهستانی و سخت گذر بودن و تفکرات و فرهنگ حاکم بر این منطقه از دیگر مشکلات اساسی است که موجب شده بشاگرد در کشور محروم شناخته شود. از منظر جامعه‌شناختی باید گفت بسیاری از کمک‌های کمیته امداد و فعالیت‌های رایگان گروه‌های جهادی و نهادهای مردمی در بشاگرد (در قالب تغذیه، درمان و ...) باعث شده است که فکر محرومیت و محروم بودن منطقه در ذهن مردم همچنان زنده باشد و به‌ویژه مددجویان کمیته امداد که اکثریت ساکنان منطقه شرق هرمزگان و به‌ویژه بشاگرد را تشکیل می‌دهند نوعی وابستگی به کمک‌های دولتی یا سازمان‌های غیردولتی را همچنان دارند و فرهنگ منطقه بیشتر به سمت رکود و پس‌افتادگی رفته است به طوری که ارزش‌های حاکم بر منطقه گویای این موضوع است که مردم محلی و به‌ویژه مددجویان کمیته امداد دیگر ارزشی برای کمک‌های رایگان قائل نیستند اما به علت وابستگی مجبور به گرفتن آن هستند. از دیگر سو، سنت‌های حاکم بر منطقه نیز تغییر را چندان قبول ندارد. نکته مهم این‌که به نظر می‌رسد مداخلات بیش‌ازحد و بی‌رویه ارگان‌های بیرونی سبب شده که مردم رغبتی به برعهده گرفتن کارهای خود نداشته باشند؛ همین‌جاست که پیامدهای تداوم موانع فرهنگی-اجتماعی توسعه‌نیافتگی که با مداخلات بدون نظارت تشدید می‌شود اهمیت می‌یابد، که چرا به‌رغم تمامی این کمک‌رسانی‌ها، توسعه منطقه، توانمندی ساکنان حاصل نشده است. بر همین اساس پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سؤال است؛ پیامدهای موانع فرهنگی - اجتماعی توسعه‌نیافتگی با تأکید بر جامعه هدف کمیته امداد در شرق استان هرمزگان کدام است؟

ادبیات نظری

توسعه‌یافتگی وضعیت و فرایندی است که موجب رشد کمی تولیدات کالا و خدمات می‌شود و در روند آن پدیده‌هایی نظیر فقر، محرومیت، و بی‌سوادی از بین می‌رود؛ در مقابل، توسعه‌نیافتگی حالت یا وضع توسعه اقتصادی در یک ناحیه یا کشور است که وسایل ضروری برای رشد اولیه را ندارد و نسبت بالایی از منابع آن باید به کارهای کشاورزی تخصیص یابد. مسأله اساسی در این مرحله از توسعه اقتصادی این است که حد بالایی از سطح قابل دستیابی به مقدار تولید سرانه وجود ندارد (۸). این محدودیت از این واقعیت برخاسته است که امکانات بالقوه ناشی از علم جدید و منابع، اساساً یا موجود نیستند و یا باقاعده و نظم به کار نمی‌افتند (۵). اما یکی از اصلی‌ترین مباحثی که در توسعه مطرح است این است که حتی اگر زمینه‌های مادی توسعه برقرار شود لیکن ارزش‌های اجتماعی-اقتصادی و سیاسی مناطق یا جوامع تغییر نکند عملاً توسعه‌نیافتگی همچنان باقی خواهد ماند (۹). در جوامع پیچیده، عدم توافق در زمینه ارزش‌ها حالتی بی‌پایان دارد و ارزش‌ها به‌طور مداوم، در حال دگرگونی هستند (۱۰). تحول ارزش‌ها همچنین بر آداب و رسوم و سنت‌ها مؤثر واقع می‌شود؛ گرایش‌ها نیز در واقع آمادگی اقدام و یا رفتار به شیوه خاصی و در حقیقت، محرک‌هایی برای اقدامات

شدند، و به اشباع داده‌ها رسید. روش گردآوری مبانی نظری و سوابق تجربی تحقیق بر اساس روش کتابخانه‌ای و ابزار فیش‌برداری بود؛ همچنین در بخش میدانی از ابزار مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس کدگذاری سه‌گانه؛ باز، محوری و انتخابی بود؛ برای تأمین روایی مطالعه برای انجام مصاحبه از محقق دیگری برای حضور در محل به منظور مشارکت در شناخت پیامدهای تداوم موانع اجتماعی-فرهنگی توسعه‌نیافتگی و ورود به سؤال اصلی پژوهش استفاده شد در پژوهش حاضر از دو روش برای ارزیابی پایایی مصاحبه‌ها و داده‌های حاصل استفاده شد: در روش اول از یک فرایند ساخت‌یافته برای ثبت، نوشتن و تفسیر داده‌ها استفاده شد. در روش دوم از کارشناس دیگری به‌عنوان مصاحبه‌کننده دوم استفاده شد. در ارتباط با منطقه مورد تحقیق که شهرستان بشاگرد و شرق استان هرمزگان است باید گفت شهرستان بشاگرد بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵ دارای ۳۵۰۸۵ نفر (۲ درصد کل جمعیت استان هرمزگان) جمعیت بوده که در شش دهستان گوهران، جکدان، سردشت، گافر، پارامون و درآبسر و ۱۶۲ آبادی سکونت دارند. از جمعیت ساکن در بشاگرد ۱۷۶۱۳ نفر مرد و ۱۷۴۷۲ نفر زن می‌باشد که در قالب ۹۳۵۹ خانوار زندگی می‌کنند.

یافته‌ها

نتایج به‌دست‌آمده نشان داد ۷۶ درصد معادل ۱۳ نفر از مصاحبه‌شوندگان مرد و ۲۴ درصد معادل ۴ نفر زن بودند. به لحاظ تحصیلاتی نیز مصاحبه‌شوندگان با مدرک کارشناسی ارشد با ۵۹ درصد و ۱۰ نفر بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده بودند دکترا با ۲۳ درصد و ۴ نفر و کارشناسی نیز با ۱۸ درصد و ۳ نفر قرار دارند. به لحاظ شغلی یا پست سازمانی نیز ۷۱ درصد کارمندان اجرائی منطقه بودند و ۲۳ درصد استاد دانشگاه و ۶ درصد معادل ۱ نفر نیز مدیر بودند. در پژوهش حاضر بر اساس تحلیل و کدگذاری باز مصاحبه‌ها، مجموعاً ۱۶۸ کدباز یا مفهوم اولیه به دست آمد. در مرحله دوم، کدهای باز مشابه یا مفاهیم اولیه باهم ادغام شدند و کدهای محوری به دست آمد که مجموعاً ۳۹ کد محوری به دست آمد. همچنین در مرحله سوم کدهای محوری مشابه نیز ادغام و کدهای انتخابی تشکیل شد که مجموعاً ۱۵ کد انتخابی به دست آمد. در جدول ۲ نمونه‌ای از کدگذار باز یا مفاهیم اولیه به‌دست‌آمده نیز قابل مشاهده است.

سرمایه اجتماعی، سست شدن روابط اجتماعی و فقدان نظام شایسته‌سالاری می‌باشد. حسنی و همکاران (۱۸) در نتایج خود بدین نتیجه رسیدند که تأخیر فرهنگی و ناسازگاری‌های فرهنگی اثر حاشیه‌نشینی بر توسعه‌نیافتگی را تشدید خواهند کرد. نتایج پژوهش دیداری و همکاران (۱۹) نشان داد؛ ایدئولوژی، ساختار قدرت موجب توسعه‌نیافتگی و تداوم وابستگی می‌شود. در پژوهش احمدی و قزوینه (۲۰) نیز عادت‌واره‌های اقتصادی و جریان‌های مهاجرتی مهم‌ترین عوامل توسعه‌نیافتگی بودند. حیدرپور کلیدسر و همکاران (۲۱) در پژوهش خودشان نیز نتیجه گرفتند؛ فرهنگ استبدادی، مدیریت اقتدارگرایانه، سرکوب جامعه مدنی، و انحلال احزاب و تشکلهای اجتماعی و فرهنگی مهم‌ترین موانع فرهنگی توسعه سیاسی دوره پهلوی بودند. در پژوهش‌های خارجی نیز کوک هو (۲۲) در پژوهش خود بدین نتیجه رسیدند که کمبود سرمایه و نیروی انسانی و کمبود زیرساختی از علل توسعه‌نیافتگی است که موجب توسعه فرهنگ فقر و وابستگی می‌شود. سینگو و چانوو نیز نشان دادند؛ اعتقادات و باورهای اجتماعی مبتنی بر عدم‌تغییر و سنت‌گرایی از جمله موانع و پیامدهای توسعه‌نیافتگی است. کاترین در پژوهش خود نشان داد؛ موانعی نظیر سنت‌گرایی، قبیله‌گرایی، عدم اعتماد متقابل، تقدیرگرایی و وابستگی به دولت توسعه از عوامل و پیامدهای توسعه‌نیافتگی است. نینو (۲۳) در پژوهش خود معتقد است که وابستگی به دولت چرخه فقر را گسترش می‌دهد در نهایت ولر در پژوهش خود نشان داد؛ نهادها، ضعف همبستگی و فقر از موانع مهم توسعه جامعه در کامدن نیوجرسی می‌باشد. بررسی و مقایسه پیشینه‌های تحقیق نشان داد که اغلب موانع فرهنگی-اجتماعی نظیر وجود سنت‌های قومی-سنتی و مذهبی، وجود فرهنگ استبدادی، پایین بودن سرمایه اجتماعی، نبود یا کمبود اعتماد روند توسعه‌نیافتگی مناطق را باعث شده و تشدید می‌کنند.

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر به‌صورت کیفی و با رویکرد تحلیل محتوای کیفی انجام شد. تحلیل محتوای کیفی شامل یک فرایند طراحی شده برای متمرکز کردن داده‌های خام به سمت موضوعات و طبقه‌بندی‌هایی بر اساس استنباط و تفسیر معتبر می‌باشد. پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و به لحاظ ماهیت نیز جزو پژوهش‌های اکتشافی است. مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر کلیه مدیران و نخبگان اجرائی نهادهای حمایتی از جمله کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی و خبرگان علمی (شامل اساتید دانشگاه و پژوهشگران) و نیز افراد متنفذ محلی شرق استان هرمزگان بود. بر اساس نمونه‌گیری گلوله برفی، ۱۷ مطلع به‌عنوان نمونه انتخاب

جدول ۱. نمونه‌ای از نقل‌قول و کدهای اولیه استخراجی از مصاحبه‌ها

نقل‌قول	کدهای باز (مفاهیم اولیه)
یکی دیگر از پیامدها و نتیجه‌های حاصل از عملکرد موازی کاری و عدم هماهنگی دولت و نهادها در منطقه می‌باشد که سبب از بین رفتن ثروت و هدر رفت سرمایه‌ها و عدم تحقق رشد و توسعه منطقه‌ای گردیده است که حاصل آن ایجاد انسان‌هایی وابسته به حمایت کاهش اعتمادبه‌نفس کاهش ریسک‌پذیر بودن افزایش سطح توقع مردم در دریافت بسته‌های حمایتی عدم ایجاد اشتغال پایدار	ایجاد انسان‌هایی وابسته به حمایت کاهش اعتمادبه‌نفس کاهش ریسک‌پذیر بودن افزایش سطح توقع مردم در دریافت بسته‌های حمایتی عدم ایجاد اشتغال پایدار

مقاومت در برابر توسعه‌یافتگی	دریافت بسته‌های حمایتی عدم اشتغال پایدار مقاومت در برابر
استمرار فقر در تمام ابعاد	توسعه‌یافتگی استمرار فقر در تمام ابعاد مهاجرت نیروهای متخصص
مهاجرت نیروهای متخصص	عدم تمایل صاحبان سرمایه جهت سرمایه‌گذاری کم و افزایش
عدم تمایل صاحبان سرمایه جهت سرمایه‌گذاری کم	اشتغال‌های کاذب مانند سوداگری مواد مخدر و قاچاق از مهم‌ترین
افزایش اشتغال‌های کاذب	نتایج حاصل از حضور چنین شرایطی در منطقه خواهد بود
افزایش سوداگری مواد مخدر	
افزایش قاچاق	

در جدول شماره ۳ هم نمونه‌ای از کدگذاری محوری و انتخابی آمده است؛

جدول ۲. نمونه‌ای از کدگذاری محوری و انتخابی	
کد انتخابی	کد محوری
	کدباز
	پذیرش و عادت شدن سبک زندگی فقیرانه
	پایین بودن سطح انتظارات مردم
	قانع بودن مردم به دریافت میزان کمک معیشتی
	ترحم و بدبختی
	بیچاره جلوه دادن اهالی
	عدم تقویت باورها
	عدم تغییر نگرش‌های نادرست اهالی فرهنگ
	عدم علاقه به رشد و توسعه در مناطق
	عدم تقویت کار و تلاش
	عدم ایجاد باور جهت آباد کردن منطقه در مردم
نمود فرهنگ باورها و انتظارات توسعه‌ای	پایین بودن سطح انتظارات
	عدم تقویت باورها و نگرش‌ها

در جدول ۴- هم یافته‌های تحقیق آمده است؛

جدول ۳. نمونه‌ای از نقل قول و کدهای اولیه استخراجی از مصاحبه‌ها	
پيامدها	کدهای انتخابی (مضامین)
کدباز=۱۶۸	توسعه فرهنگ فقر، نبود برنامه جامع توسعه‌ای همه‌جانبه، نبود توسعه پایدار منطقه‌ای، بی‌تأثیری و نبود خدمات مناسب و هدفمند، نهادینگی فرهنگ وابستگی، نبود فرهنگ ریسک‌پذیری نبود فرهنگ خودباوری و عمل‌گرا، نبود فرهنگ باورها و انتظارات توسعه‌ای، ناکارآمدی مدیریتی و فرصت‌سوزی توسعه‌ای، موازی کاری نهادی، گسترش آسیب‌های اجتماعی و خانوادگی، نرخ رشد سریع و مهاجرت روستا به شهر، افزایش هدر رفت منابع و بیکاری، عدم توسعه فرهنگی، نامناسب بودن زیرساختی و جوی منطقه.
کد محوری=۳۹	
کد انتخابی=۱۵	

نتیجه‌گیری

لازم تأثیرگذاری خود را نداشته‌اند چراکه از یک بُعد همه‌جانبه نبوده است از سوی دیگر هم نتوانسته‌اند الگوهای کنش اجتماعی مددجویان را به سمت خودباوری و توانمندسازی سوق دهند این موضوع باعث شده همچنان راهبردهای متفاوتی برای دریافت کمک و حمایت از سوی مددجویان بکار گرفته شود که پیامدی جز تشدید وابستگی ندارد. طبیعی است پیامد چنین وضعیتی نیز تشدید و توسعه فرهنگ فقر باشد. لوپس معتقد است در جامعه سنتی که دچار توسعه‌نیافتگی مزمن است بی‌اعتمادی و عدم تعامل در سطح بالایی است این موضوع سبب می‌شود که مشارکت بین جامعه محلی صورت نگیرد. از دیگر سو چنین جامعه‌ای در نوعی ترس و بدگمانی قرار دارد ترس از این که حمایت‌های نهادهای مختلف قطع شود و بدگمانی از این که دیگری به دنبال کسب منافع بیشتری از او است بنابراین در چنین جامعه‌ای فردگرایی بسیار

پژوهش حاضر که باهدف شناخت پیامدهای تداوم موانع اجتماعی- فرهنگی توسعه‌نیافتگی در شرق استان هرمزگان به روش کیفی انجام شد. یافته‌های پژوهش حاضر همسو و سازگار با نتایج تحقیقات گذشته است. در تبیین باید گفت؛ اساساً زمانی که فرهنگ فقر در جامعه‌ای ریشه دوانده است نمی‌توان انتظار هرگونه نوآوری و خلاقیت را داشت بنابراین مشاهده می‌شود یکی از علل اصلی نهادینگی توسعه‌نیافتگی نبود برنامه‌های جامع توسعه‌ای مبتنی بر نیازسنجی واقعی است در جامعه مورد مطالعه بیشتر کمک‌های نقدی-جنسی به مددجویان ارائه شده و در کنار آن طرح‌های توسعه- ای نیز به صورت کالبدی-فیزیکی انجام شده است لیکن به ابعاد فرهنگی-اجتماعی توسعه توجهی نشده است این موضوع باعث شده که از منظر اغلب پاسخگویان، بسیاری از خدمات و حمایت‌های

and democracy: The modernization hypothesis in sub-Saharan Africa. *The Social Science Journal*. 56 (2):243-254.

4. Efimova, Elena, Alexander A. Gapochka (2019). Seaports as drivers of regional economic development: The case of Saint Petersburg and Leningrad Province. *Case Studies on Transport Policy*. Available online 17 October 2019. In Press, Corrected Proof What are Corrected Proof articles?

5. Porshahabi, Vahid; Yaqubi, Noor Mohammad; Naderifar, Alireza (2017). The Relationship between Democracy and Human Development in India. *Quarterly Journal of Subcontinental Studies*, 9 (31), 27-44. [In Persian]

6. Spiteri, Jonathan. Philip on Brockdorff (2019). Economic development and health outcomes: Evidence from cardiovascular disease mortality in Europe. *Social Science & Medicine*. 24:37-44.

7. Mohammadi, Mohammad Karim; Abolfathi, Mohammad (2015). Pathology of the relationship between political culture and political development in Iran. *Political Science Quarterly*, 11 (33), 33-56. . [In Persian]

8. Pourhassan, Nasser; Ahmadian, Sajjad; Ghorbani, Vahid (2017). Asian values; "Development" takes precedence over "human rights". *Strategic Studies in Public Policy*, 7 (22), 39-54. [In Persian]

9. Dadras, Abbas (2015). The Role of Culture on Economic Development, Second National Conference on Development Challenges and Strategies, Kahnooj, Islamic Azad University, Kahnooj Branch. . [In Persian]

10. Raghfar, Hussein; Marjan Fadavi Ardakani (2014). Analytical framework in development theory: culture, power and inequality. *A Study of Iranian Economic Issues*, 1 (2), pp. 91-115. . [In Persian]

11. Modiri, Fatemeh (2018). Different types of family values and its socio-economic correlations in Tehran. *Applied*

مخرب رشد می کند که نهایتاً منجر به افزایش تضادهای اجتماعی-فرهنگی می شود به واقع در گروه هدف موردتحقیق حاضر نیز چنین وضعیتی دیده می شود؛ بود فرهنگ ریسک پذیری، تعاملات کارآمد و نبود فرهنگ عمل گرا و خودباور سبب شده که بی اعتمادی و عدم تعامل در بین این مددجویان نهادینه شود که برای طولانی مدت این وضعیت می-تواند تضادهای فرهنگی-اجتماعی را عمیق تر نماید. از دیگر سو باید دقت کرد که پیامد روند توسعه نیافتگی تشدید یافته گسترش آسیب های اجتماعی و خانوادگی خواهد بود در جامعه ای که به دریافت کمک عادت کرده است این کمک-ها می تواند موجب تضاد خانوادگی، بروز خشونت و حتی مصرف در راه های غیرقانونی باشد بر همین اساس در چنین جامعه ای باید موازی کاری نهادی در ارائه کمک ها کاهش یابد همان طور که نتایج نشان داد و منابع محیطی به خوبی مدیریت شود. مجموعاً بر اساس نتایج به دست آمده باید گفت پیامدهای تداوم موانع اجتماعی-فرهنگی توسعه نیافتگی در جامعه موردتحقیق بیشتر بر نبود برنامه ریزی جامع، عدم توسعه فرهنگی، نبود فرهنگ خودباوری و ریسک-پذیری و نبود استفاده درست از منابع محیطی تأکید دارد که حاصل تعامل عوامل مختلف و راهبردهای وابستگی محور و نیازمندی جامعه هدف تحقیق است. بر همین اساس پیشنهادات زیر ارائه می شود؛

- پیشنهاد می شود کمیته امداد با برگزاری دوره های آموزشی توانمندسازی با محوریت راه اندازی کسب و کارهای کوچک و بازاریابی محصولات در فضای مجازی و آشنایی با ظرفیت های رسانه های اجتماعی در ارائه کالاها مددجویان را به سمت خوداشتغالی و کارآفرینی فردی یا جمعی سوق دهد.

- پیشنهاد می شود کلیه طرح های توسعه ای ابتدائاً بر اساس نیازسنجی واقعی از مردم بومی-محل در منطقه موردتحقیق و با مشارکت آن ها طراحی و اجرا شود.

- پیشنهاد می شود کمیته امداد زمینه حضور تشکل های غیردولتی توانمندسازی نظیر سمن ها و سازمان های غیردولتی در محیط مورد مطالعه را فراهم سازد.

References

1. Aging, Ramadan; Karampour, Rosa; Kafashi, Majid (2019). Investigating the social barriers to development in Ilam province with the background theory method. *Social Development*, 13 (3), 163-196. [In Persian]
2. Behuria Pritish (2019). The domestic political economy of upgrading in global value chains: how politics shapes pathways for upgrading in Rwanda's coffee sector, *Review of International Political Economy*, DOI: 10.1080/09692290.2019.1625803.
3. Chisadza, Carolyn. Manoel Bettencourt (2019). Economic development

underdevelopment of Kurdistan province with emphasis on cultural development, *Quarterly Journal of Welfare Planning and Social Development* 10 (37). . [In Persian]

20. Ahmadi, Vakil; Jila Qazvina (2018). The role of historical political and social processes in the economic underdevelopment of Kermanshah province, National Conference on Sustainable Development of Kermanshah province, Kermanshah, Raz University. [In Persian]

21. Haidarporklidsar, Mohammad, Vosoughi, Mansour, Sarukhani, Baqer, Ezkia, Mustafa (2017). Analysis of cultural barriers to political development in Iran (second Pahlavi era). *Journal of Cultural Studies - Communication*, 18 (40), 1-32. . [In Persian]

22. Kuok Ho, Daniel Tang. (2020). Anticipations for and Perceived Barriers of Development among the Sarawak's Highlanders. *Pertanika Journal of Social Science and Humanities*. 28. 1507-1524.

23. Nienu, Chothazo (2017). Institutional Barriers to Development in the State of Nagaland. 10.1007/978-981-10-6274-2_9.

Sociology, 29 (1), 147-166. Anderson, B. (2010). Indian cultural values and economic development: an exploratory study. *World Journal of Entrepreneurship, Management and Sustainable Development*. 8(2/3):194-201. . [In Persian]

12. Yazhong Deng (2019). Construction of ideal model of social development under the political background of mind philosophy. *Cognitive Systems Research*. 1-10.

13. Wang, B. (2012). Social development in market society by intrinsic value account: a case of China", *International Journal of Social Economics*. 39(9):671-689.

14. Pritish, Behuria (2019). The domestic political economy of upgrading in global value chains: how politics shapes pathways for upgrading in Rwanda's coffee sector, *Review of International Political Economy*, DOI: 10.1080/09692290.2019.1625803.

15. Busoi Simona Margareta (2015). Sustainable Development and the Influence of Social Values A Case Study on Romania. *Procedia Economics and Finance* 26:46-53.

16. Catherine E. Arthur (2018). The Struggle Continues: Peace and Prosperity, Democratic Values and Development in Political Party Flags. *Political Symbols and National Identity in Timor-Leste*. 171-201.

17. Beugelsdijk Sjoerd, Mariko J. Klasing, Petros Milionis (2017). Value Diversity and Regional Economic Development. *The Scandinavian Journal of Economics*. 121(1):153-181.

18. Hassani, Vahid; Reza Alhayari and Majid Dehshiri (2019). Underdevelopment due to cultural lag resulting from suburbanization in cities, *Journal of Applied Studies in Management and Development* 4 (15). [In Persian]

19. Didari, Chenor; Reza Ali Mohseni and Mohammad Hossein Bahrani (2018). Investigating the factors affecting the